

آسان مدیریت کردن

حجة الاسلام والمسلمین محمّد ری شهری

در آغاز این سلسله مقالات آمد که وقتی حضرت موسی علیه السلام از جانب خداوند متعال مأموریت یافت بنی اسرائیل را مدیریت و رهبری کند و علیه طاغوت زمان خود آنها را بیج نماید، از خداوند چند تقاضا داشت که هر یک از خواسته های او را می توان اصلی از اصول مدیریت اسلامی محسوب نمود، نخستین تقاضای او شرح صدر بود که در پانزده مقاله گذشته مورد بررسی قرار گرفت، اکنون سخن درباره دومین درخواست موسی و نقش آن در مدیریت و رهبری است:

آسان مدیریت کردن

دومین درخواست حضرت موسی از خداوند آسانی امر مدیریت و رهبری بود، متن درخواست او به نقل قرآن کریم این است:

«ویشری امری»

و آسان کن برایم امر را.

امری که موسی آسانی آنرا از خداوند طلب می کند عبارت است از مسئولیت و کاری که خداوند به او تکلیف کرده یعنی امر رسالت و رهبری و مدیریت مردم مستضعف.

از این درخواست حضرت موسی نکاتی در ارتباط با مدیریت اسلامی قابل استنباط است:

۱- ضرورت آسانی

نخستین نکته ای که از دومین درخواست موسی علیه السلام از خداوند استفاده می شود این است که آسانی امر مدیریت برای مدیر یک ضرورت است، هر چه زمینه و ابزار کار برای مدیر آماده تر و مدیریت آسانتر باشد، او با تمرکز فکر و قدرت روحی و دقت بیشتری قادر به انجام وظیفه است و هر چه انجام اموری که به او واگذار شده دشوارتر باشد، مدیر با تمرکز و قدرت و دقت کمتری می تواند مدیریت کند.

حضرت موسی از خداوند می خواهد: اکنون که مسئولیت رهبری بنی اسرائیل را به من واگذار کردی ترتیبی بده که این امر برایم دشوار و ملال آور و خستگی آفرین نباشد، با نشاط و آسان مدیریت کنم تا بهتر بتوانم از عهده این مسئولیت

سنگین برآیم.

۲- نسبت آسانی و سختی

دومین نکته در سخن موسی علیه السلام این است که آسانی و سختی نسبی است، به عبارت ساده اینکه یک کار مشخص ممکن است برای فردی سهل و آسان و عیناً همان کار برای فردی دیگر سخت و دشوار باشد.

این نکته برای همه خصوصاً برای کسانی که مسئولیت های سنگین دارند فوق العاده مهم و درخور توجه و دقت است، ابتدا ببینیم که نکته نسبت از کجای کلام موسی استفاده می شود و بعد توضیح دهیم چگونه می شود کاری مشخص برای یکی آسان و برای دیگری دشوار باشد؟

نسبت از اینجا استفاده می شود که موسی به خدا نمی گوید کاری که به من واگذار کرده ای سخت است، مرا از انجام آن معاف کن و مسئولیت آسانتری به من محول فرماید، نمی گوید رهبری بنی اسرائیل و درگیری با قریون دشوار است و سنگین، بجای آن مأموریتی سبکتر و رسالتی آسانتر به من بده، بلکه می گوید این کار سخت و دشوار و این رسالت سنگین و عظیم با همه مشکلاتی که لازمه آن است را بر من آسان گردان، و بگفته مرحوم علامه در تفسیر العزیزان: «مقصود

موسی آسان شدن امر رسالت نسبت به اوست نه آسان شدن آن فی نفسه».

به عبارت دیگر گاه می شود که مسئولیت تغییر می کند و گاه آسانی که می خواهد بار آن مسئولیت را بکشد تغییر می نماید، مثل اینکه گاهی تلخی تبدیل به شیرینی می شود و گاه مزاج انسان به گونه ای می گردد که از تلخی احساس شیرینی می نماید، گاه شب تبدیل به روز می شود و انسان می بیند و گاه انسان از عبکی استفاده می کند که شب تاری برای او مانند روز روشن می گردد.

آنجا که مسئولیت تغییر کند، آسان شدن مدیریت مربوط به نفس مسئولیت است و آنجا که انسان تغییر کند آسان شدن مدیریت نسبی است.

نسبت آسانی و سختی منحصر به امر مدیریت و رهبری نیست بلکه در همه امور آسانی و سختی نسبی است، کارهای خوب برای افراد شایسته و مهذب آسان و برای افراد ناشایسته و آلوده سخت و دشوار است، و برعکس کارهای زشت برای افراد شایسته سخت و دشوار و برای افراد آلوده سهل و آسان است. این تفاوتها مربوط به تفاوت واقعیت کارها نیست بلکه به تفاوت واقعیت

انسانها مربوط است. حضرت موسی از خدا نمی خواهد واقعبیت رسالتی که به او واگذار شده تغییر کند بلکه می خواهد واقعبیت خودش تغییر نماید و لذا نمی گوید مأموریت مرا سبکتر کن و کار آسانتر و بی درد سرتزی به من محول نما، بلکه می خواهد همین مأموریت سنگین بر او سبک و آسان گردد.

۳- مطلوبیت آسانی در اسلام

آیا در اسلام آسانی مطلوب است یا سختی؟ و آیا اسلام برنامه زندگی انسان را به گونه ای تنظیم کرده که انسان در عسر و سختی باشد و یا در یسر و راحتی و آسایش؟

به سختی دقیقتر آیا اسلام تکامل انسان را در سایه سختیها و مشکلات می بیند و یا در نتیجه خوشیها و راحتیها می داند؟

برای پاسخ به این سوال وقتی به قرآن و احادیث اسلامی مراجعه کنیم در نگاه سطحی تناقض می بینیم، زیرا از یک سو اسلام خود را دین آسانی و آسایش معرفی می کند و از سوی دیگر تکامل انسان را معلول سختیها و مشکلات می داند.

ابتدا دو دسته آیات و احادیثی که دلالت بر دو معنای بحسب ظاهر متناقض دارند را نقل و پس از آن به جمع بندی آنها و بررسی این مطلب می پردازیم که اسلام، دین آسانی و آسایش و یا دین سختی و مشکلات است؟

قرآن کریم در دو آیه تصریح نموده که اسلام دین عسرت و سختی نیست، آیه اول آیه ۷۸ از سوره حج است:

«ما جعل علیکم فی الدین من حرج»

خداوند در دین اسلام تکلیف سخت و مشقت آوری را بر شما قرار نداده.

و آیه دوم در سوره مائده آیه ۶:

«ما یرد الله لیجعل علیکم من حرج»

خداوند نمی خواهد که بر شما مشقت و سختی قرار دهد.

از این آیات معلوم می شود که در اسلام برنامه زندگی انسان به گونه ای تنظیم نشده که موجب عسر و حرج و مشقت او گردد و در دین تکالیف سنگین و شاقی که انجام آن به طور طبیعی توانفرسا باشد وجود ندارد، و در آیه ۲۸۶ از سوره بقره تصریح شده که:

«لا یكلف الله نفساً إلا وسعها».

خداوند هیچکس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند.

از نظر قرآن کریم نه تنها اسلام دین عسرت و سختی نیست و انسان جز به اندازه توان تکلیف ندارد بلکه اسلام دین آسانی و آسایش است، در آیه ۱۸۵ از سوره بقره می خوانیم:

«یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر».

خداوند راحتی و آسایش شما را می خواهد و نراحتی و رنج شما را نمی خواهد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله نیز تصریح می فرمود که:

«یا ایها الناس إن دین الله یسر»^۱.

ای مردم! قطعاً دین خدا دین آسانی و آسایش است.

بنابراین تردیدی نیست که اسلام در برنامه های خود به طور اصولی آسانی امور بر مردم و آسایش فرد و جامعه را در نظر داشته است ولی در مقابل آیات و احادیث بسیاری هست که دلالت دارند انسان در سختیها ساخته می شود و فلسفه مشکلات زندگی تکامل انسان است و بر این مبنا هرکس کمالات بیشتری دارد سختیهای بیشتری دیده و انبیاء الهی که کاملترین انسانها هستند مصائب و مشکلات بیشتری در زندگی دارند، در این زمینه ذکر دو آیه و چند روایت اکفا می شود:

۱- آیه ۳۱ از سوره محمد (ص):

«ولیسولکم حتی تعلم المجاهدین منکم والصابرین ونبلو أحوارکم».

ما به طور قطع همه شما را می آزماییم تا معلوم کنیم مجاهدین و صابریں بر مشقت تکالیف الهی کیانند و اعمالتان خیر دهد که در باطن چه دارید.

۲- آیه ۱۴۲ از سوره آل عمران:

«ام حسبم أن تدخلوا الجنة ولما يعلم الله الذین جاهدوا منکم و یعلم الصابرین».

آیا چنین پنداشتید که شما (تنها با ادعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد در حالی که هنوز خداوند مجاهدان از شما و صابران را مشخص ناساخته است!؟

امام علی علیه السلام فرموده:

«إن البلاء للظالم ادب وللمؤمن امتحان وللأنبیاء درجة، وللاولیاء کرامة»^۲.

بلا برای ادب کردن ظالم، آزمایش مؤمن، ترفیع درجه انبیاء و کرامت اولیاء الهی است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

«إن الله لیغذی عبده المؤمن بالبلاء كما تغذی الوالدة ولدها بال لبن»^۳.

خداوند بنده با ایمان خود را با بلا و سختیها تغذیه می کند همانطور که مادر فرزندش را با شیر تغذیه می نماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إن أشد الناس بلاءً الأنبیاء ثم الذین یلونهم ثم الأمتل فالأمتل»^۴.

پیامبران خدا در مسیر زندگی از همه کس بیشتر بلا می کشند و پس از انبیاء کسانی که از نظر فضیلت و کمال پس از آنان قرار دارند و سپس هرکس کاملتر مشکلاتش بیشتر است.

اکنون باید دید که چگونه می شود اسلام دین آسانی و آسایش باشد و در عین حال تکامل انسانرا در سایه سختیها و مشکلات بداند، آیا این تناقض نیست؟ پاسخ این است که خیر، توضیح مطلب را در مقاله آینده ملاحظه خواهید کرد.

ادامه دارد

۱- سوره طه آیه ۶۶. ۲- میزان الحکمه حدیث ۴۳۵۴. ۳- اصول کافی جلد ۲ ص ۲۵۲.

۴- میزان الحکمه. ۶۲۷۵. ۵- بحار الانوار جلد ۸۱ ص ۱۶۵.